

شفاعت یا پارتی بازی

واسطه‌ای محترم بین ما و خدا

○ حجت الاسلام و المسلمین ناصر فقیه

قسمت اول

با توجه به این که شفاعت، در روز قیامت، شامل همه گنه کاران نمی‌گردد و خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلک». ۱ با توجه به این آیه شریفه، آیا شفاعت یک نوع تبعیض و بی‌عدالتی و به اصطلاح پارتی بازی نیست؟

در میان مباحث اعتقادی، مسائل مربوط به مبدا و معاد، از مشکل‌ترین مباحث بوده و حل آنها نیاز به تدبیر و تفکر فوق‌العاده، در قرآن کریم و روایات شریفه و نیز تفکر عقلانی فراوان دارد تا عقل و شرع در کنار یکدیگر، بتوانند این مشکلات پیچیده علمی را حل کنند؛ به خصوص مباحثی نظیر علم خدای متعال، معاد جسمانی، خلود در جهنم و... یکی از آن مباحث نیز مساله شفاعت می‌باشد که مورد بحث و تبادل نظر دانشمندان فراوانی از صدر اسلام تا کنون قرار گرفته است، لکن در این میان، عده‌ای به نام وهابیان که مسلک خود را از ابن تیمیه گرفته‌اند، به مساله شفاعت به گونه دیگری نگریسته و سؤالات و شبهات فراوانی را در این رابطه ایجاد کرده‌اند. بر ماست که سیری در این شبهات کرده و با کمک قرآن کریم و روایات و به مدد عقل بشری، به پاسخ این شبهات بپردازیم. لذا به چند مورد از این سؤالات و شبهات و پاسخ آنها اشاره می‌نماییم:

۱. می‌گویند شفاعت با توحید، سازگاری ندارد؛ زیرا لازمه شفاعت این است که رحمت شفیع، بر رحمت خداوند غلبه داشته باشد؛ چرا که اگر شفاعت شفیع نباشد، خداوند گناهکار را عذاب خواهد کرد.

۲. اعتقاد به شفاعت موجب جرات بیشتر بر گناهان می‌گردد.

۳. درخواست شفاعت از شافعان، پرستش آنها می‌باشد.

اینک برای پاسخ به سؤالات فوق، ابتدا شفاعت را معنا می‌کنیم و سپس با ذکر شفع و شفاعت هر دو مصدر می‌باشند، به معنی منضم کردن چیزی به چیز دیگر. راغب می‌گوید: شفع، ضمیمه کردن چیزی است به چیز دیگری مثل خودش.

همچنین امام خمینی (ره) در معنای شفاعت

می‌فرماید: شفاعت از ماده شفع، به معنی جفت و دو تا شدن است. نور ولایت عظمای ولی الهی با نور عبد مؤمن جفت و مزدوج شده و او را به طرف خود می‌برد.

یکی از دانشمندان معاصر در توضیح این معنا می‌گوید: علت این که به وساطت شخص برای نجات گنه‌کار، شفاعت گفته می‌شود، این است که مقام و موقعیت شفاعت‌کننده و نیروی تأثیر او، با عوامل نجاتی که در وجود شفاعت شونده هست، ضمیمه و جفت می‌شوند و هر دو به کمک هم، موجب خلاصی شخص گنه‌کار می‌گردند.

اقسام شفاعت:

۱. **شفاعت تکوینی:** یعنی هیچ علت و سببی بدون اذن خداوند، مؤثر نمی‌گردد و تأثیر آنها در گرو خواست و اذن الهی است. علت این که به این نحوه از تأثیر، «شفاعت» و به خود علل طبیعی «شفیع» گفته می‌شود، این است که چنان چه گفته شد، شفاعت به معنای جفت شدن می‌باشد و چون تأثیر علل طبیعی متوقف بر اذن خدا و اراده حکیمانانه اوست، در این صورت، با ضمیمه گشتن علل طبیعی به اراده و اذن الهی، معلول، تحقق یافته و در صحنه هستی وجود پیدا می‌کند. بنابراین پزشک، شفیع است برای شفای بیمار؛ زیرا پزشک واسطه است بین خواسته خداوند (که شفای بیمار است) و خود بیمار. لذا به اذن خداوند بیمار را شفا می‌دهد. و همچنین آب شفیع انسان است برای رفع عطش؛ زیرا واسطه است بین خواسته خداوند (که رفع عطش می‌باشد) و شخص تشنه، تا به اذن خداوند رفع عطش کند.

آیه ۳ سوره یونس نیز به این نوع از شفاعت اشاره دارد. و در این نوع شفاعت است که قرآن کریم و ائمه هدی (علیهم السلام)، شفیع انسان واقع می‌شوند. یعنی عمل به دستورات قرآن کریم و پیروی از امامان معصوم (علیه السلام)، موجب هدایت انسان شده و در واقع شافعان، برای هدایت و نجات انسان‌ها می‌باشند و همان طور که اعمال و رفتارهای انسان در این عالم، در عالم دیگر تجسم و تمثیل پیدا می‌کند، روابط این دنیایی نیز در عالم آخرت، تجسم می‌یابد. اگر انسان با افراد پاک و

رهبران الهی ارتباط داشته باشد، این ارتباط نیک به صورت نیکی برای آن شخص ظهور می‌یابد و او را به بهشت برین هدایت می‌کند و اگر با افراد پست و رهبران غیر الهی مرتبط باشد، این ارتباط در عالم آخرت، مجسم شده و تابعان طاغوت‌ها را به همراه طاغوتیت، به جهنم رهنمون می‌شود. این آیه شریفه، اشاره به این نوع شفاعت دارد: «یوم ندعوا کل اناس بامامهم»؛ روزی که هر امتی را با امام و رهبرش فرا می‌خوانیم. یا می‌فرماید: «و جعلناهم ائمه یدعون الی النار»؛ و آنان را رهبران (برای گنه کاران) قرار دادیم تا به سوی آتش هدایت کنند.

در این معنای شفاعت است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شفیع امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) می‌باشد و آنها شفیع حسنین (علیهما السلام) و هر امامی شفیع امام دیگر و شفیع شاگردان و پیروان خویش است و در همین حساب است که حتی علما، از کسانی که مورد تعلیم و هدایت ایشان قرار گرفته‌اند، شفاعت می‌کنند. امام راحل (ره) نیز در این رابطه می‌فرماید: جلوه شفاعت شافعان در این عالم، هدایت آنهاست و در آن عالم، باطن هدایت، شفاعت است. تو از هدایت اگر بی‌بهره شدی، از شفاعت بی‌بهره‌ای. به هر اندازه هدایت شدی، شفاعت می‌شوی.

۲. **شفاعت تشریحی:** این نوع شفاعت مخصوص عالم تکلیف و مجازات و هم در دنیا واقع می‌شود و هم در آخرت، و شافعان در این قسم، ملائک، پیامبران، توبه، ایمان، عالمان ربانی و... می‌باشند. این قسم از شفاعت، خود بر دو قسم تقسیم می‌گردد:

۱. شفاعت ظالمانه که بر هم زنده قانون بوده و از طریق پارتی بازی انجام می‌گیرد تا مجرم بتواند از پاسخ دادن به جرم و خلاف خویش بگریزد، و در واقع، این نوع شفاعت، تبعیض و استثناء قائل شدن





مغفرت پروردگار نیز باید از طریق نفوس انسان‌های کامل و ارواح انبیا و اولیا به گنه‌کاران برسد و این لازمه نظام جهان است. به همان دلیلی که رحمت وحی بدون واسطه انجام نمی‌گیرد و همه مردم از جانب خدا به نبوت برانگیخته نمی‌شوند (و همچنین دیگر رحمت‌ها نیز بدون واسطه انجام نمی‌گیرند)، رحمت مغفرت نیز ممکن نیست بی‌واسطه تحقق پیدا کند.

د) مغفرت و شفاعت، هر دو رحمت خدا هستند و در باطن یکی بوده، ولی در ظاهر مختلف می‌باشند. هر گاه این رحمت، به خدای متعال نسبت داده شود، مغفرت و اگر به واسطه‌های رحمت (نظیر انبیا و اولیا و...) منسوب گردد، شفاعت نامیده می‌شود.

ه) با توجه به مقدمه پیشین، هر شرطی که برای شمول مغفرت می‌باشد، برای شمول شفاعت نیز هست و شرط مغفرت نیز چنان که اشاره شد، چیزی جز قابلیت و ظرفیت نمی‌باشد.

از آیه شریفه ذیل نیز می‌توان نامحدود بودن رحمت الهی و قابلیت برای استفاده از مغفرت را استفاده کرد؛ چنان که حاملین عرش می‌گویند: پروردگارا! رحمت و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است. پس بیمارز آنان را که به سوی تو باز آمده‌اند و راه تو را پیروی نموده‌اند و آنان را از عذاب دوزخ حفظ فرما. از این آیه کریمه می‌توان هم نامحدود بودن رحمت خدا را فهمید و هم شرط اساسی لیاقت برای استفاده از مغفرت را.

و) حدود شفاعت: خداوند وعده نفرموده است که هر گنه کاری را مشمول شفاعت قرار دهد. همچنین خصوصیت گناهی را که با شفاعت بخشوده می‌گردد، روشن نفرمود، بلکه در همه موارد به نحو اجمال و ایجاب جزئی سخن گفته است. چنین شفاعتی نه تنها سبب تجری معصیت کار نیست، بلکه امیداور بوده و زمینه اصلاح امور و جبران گذشته تلخ را فراهم می‌سازد و همواره انسان را بین خوف و رجا نگاه می‌دارد؛ چرا که خدای رحمان، خدای قهار نیز هست. به بیان دیگر، شفاعت همانند داروست، دارو هیچ انسان عاقلی را تشویق به بیماری نمی‌کند، بلکه به تعبیر علامه طباطبایی: اگر کسی با اعتماد بر شفاعت و توبه و استغفار تن به گناه داد، احیانا گرفتار گناه مضاعف شده است؛ به ویژه با توجه به این که گاهی گناهی زمینه برای گناه دیگر می‌گردد.

از نکات فوق استفاده می‌گردد که بی‌عدالتی و تبعیض در دستگاه خداوند وجود ندارد؛ زیرا رحمت پروردگار عام است و نامحدود و هر کس از رحمت خدا محروم است، به علت کم ظرفیتی یا بی ظرفیتی خود اوست.

نکته را گوشزد کردند که برای نجات و رستگاری دو عامل و دو رکن اساسی وجود دارد: عمل و رحمت. یعنی علاوه بر عمل، حتماً باید رحمت حضرت حق نیز باشد تا انسان‌ها در روز قیامت نجات پیدا کنند و این رحمت، بلا استثنا شامل همه انسان‌ها می‌گردد، منتهی هر کسی در حد رفیت خویش از این رحمت بهره می‌برد.

آن کسی که زمینه‌ای برای استفاده از رحمت در خود ایجاد نکرده است، بهره‌ای از رحمت حق نیز نمی‌برد. رحمت خدا نظیر ریزش باران می‌باشد که در همه جا

به طور یکسان می‌بارد، لکن زمینی که مستعد باشد و بدر در آن قرار گرفته باشد، گل و گیاه می‌رویند، ولی زمین شوره‌زار که استعداد رویش گیاهان را ندارد، نمی‌تواند از آب باران به نیکی استفاده کرده و گیاه برویند. علامه شعرانی نیز بر همین مطلب اشاره دارند، چنان که می‌فرماید: تبعیض در عفو جائز نیست، بلکه مطابق لیاقت و استعداد مردم، بعضی لایق عفو می‌باشند و بعضی نمی‌باشند. در شفاعت نیز تبعیض جائز نیست، مگر آن که بگوئیم مردم در لیاقت و استعداد (برای دریافت شفاعت) با یکدیگر تفاوت دارند.

ج) امکان ندارد هیچ یک از جریان‌های رحمت پروردگار، بدون نظام انجام گیرد. به همین دلیل،

می‌باشد و نقض قوانین است. ۲. شفاعت مغفرت: که وساطت در مغفرت و عفو و بخشش گناهان است و بر همین قسم است که غالباً اشکالاتی وارد می‌کنند؛ زیرا با شفاعت به معنای ظالمانه اشتباه می‌گردد. البته اگر دقیقاً به معنای این قسم از شفاعت توجه شود، آن گاه این شبهات نیز زدوده خواهند شد.

لذا برای توضیح بیشتر به چند نکته اشاره می‌گردد: الف) مغفرت عبارت است از: شستشو دادن دل‌ها و روان‌ها (تا حدی که قابل شستشو باشند)، از

عموارض و آثار گناهان. البته بعضی از دل‌ها قابلیت خود را برای پاکیزه شدن چنان از دست می‌دهند که دیگر با هیچ آبی تطهیر نمی‌شوند. گویی آنها تبدیل به عین نجاست شده‌اند. در زبان قرآن کریم، استقرار کفر در دل، به «مهر زده شدن» و «طبع و ختم» تعبیر شده است.

ب) رحمت عام: اصل مغفرت، یک پدیده استثنایی نیست، بلکه یک فرمول کلی است که از غلبه رحمت در نظام هستی نتیجه شده است. از همین جا دانسته می‌شود که مغفرت الهی، عام است و همه موجودات را (در حد امکان و قابلیت آنها) فرا می‌گیرد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در خطبه‌ای که در اواخر عمرشان ایراد فرمودند، این

